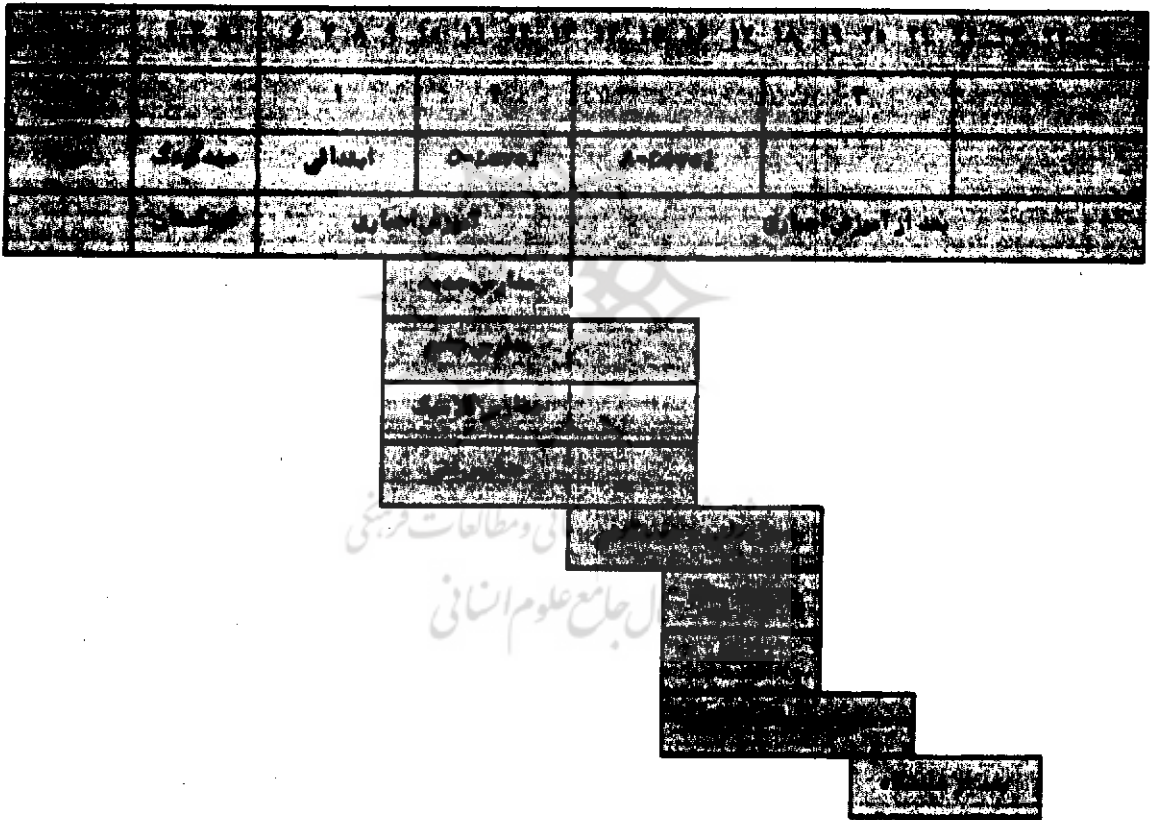


# برقائے ریوی و آریسی و انگلینڈ جغرافیہ اور انگلیس

ترجمہ و تلخیص: محمود معالی



## ساختار نظام آموزش بریتانیا

اجباری (عمومی) تا پایان سن ۱۶ سالگی است. بعد از اتمام دوره ابتدایی دانش آموزان می توانند در یکی از مدارس متوسطه ذیل به تحصیل خود ادامه دهند:  
۱- مدارس جدید.

نظام آموزش انگلستان از یک دوره ابتدایی شش ساله، دوره پنج ساله مقدماتی (O-Level) و دوره دو ساله پیشرفته (A-Level) و دوره آموزش عالی تشکیل شده است. آموزش

۲- مدارس کلاسیک Grammar School.

۳- مدارس جامع که تقریباً در تمامی مناطق وجود دارد.

۴- مدارس فنی. این مدارس از نظر سطح آموزشی معادل

مدارس کلاسیک می‌باشد.

### برنامه‌ریزی درسی جغرافیا

برنامه‌ریزی درسی در کشور انگلستان به صورت غیر متمرکز بوده و، دارای چندین مرحله است. ابتدا کمیته برنامه‌ریزی درسی مدارس که وابسته به وزارت آموزش و پرورش و علوم می‌باشد، اهداف و رفرنس مطالب درسی را تهیه و به ادارات آموزش و پرورش ابلاغ می‌کند. مناطق آموزشی با توجه به اهداف و ریز مواد، محتوی کتب درسی را تدوین و منتشر می‌سازد. غالباً کتب درسی که توسط مناطق آموزشی تهیه گردیده است در مدارس مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما بازم تدریس آنها اجباری نیست و نهایتاً خود مدارس برنامه‌های درسی را تنظیم می‌کنند، ولیکن باید به تصویب مقامات مرکزی آموزشی برسد.

چون در پایان سال یازدهم تحصیلی امتحانات سراسری و بکواخت توسط هیئت برگزاری امتحانات (Board of Examination) به عمل می‌آید، لذا برنامه‌های درسی نمی‌تواند ظاهراً تفاوت زیادی با یکدیگر داشته باشند، معمولاً یک کتاب به عنوان کتاب اصلی (Text Book) مورد استفاده قرار گرفته و سایر کتابهای درسی که توسط سایر مدارس استفاده می‌شود به عنوان کتب مرجع (Reference) معرفی می‌گردد.

در طرح سئوالات امتحانات نهایی معمولاً همه این کتب مورد استفاده قرار می‌گیرند، از این روی می‌توان گفت که، این امتحانات وسیله خوبی برای استاندارد کردن کتب درسی و سنجش معلومات دانش‌آموزان با یکدیگر می‌باشد.

به علت برگزاری امتحانات سراسری در پایان دوره O-Level همه مدارس ناچارند آنچه را که، توسط ادارات منطقه‌ای آموزش و پرورش تنظیم و پیشنهاد شده است، در برنامه درسی خود بگنجانند. در حقیقت معلمان می‌توانند مطالبی در برنامه پیشنهادی بپذیرند، لیکن نمی‌توانند آن را تقلیل داده و یا به طور کلی تغییر دهند.

در پایان دوره O-Level و A-Level دو امتحان مهم سراسری برگزار می‌شود که، اولی منجر به اخذ پایان‌نامه عمومی آموزشی (GCSE) و دومی به اخذ مدرک آموزشی متوسط‌منتهی می‌شود. ارزی این مدارک در سراسر کشور یکسان است.

### انگلند

### اهداف آموزش جغرافیا در مقطع ابتدایی:

- الف - ایجاد علاقه به محیط، و درک و فهم مکان زندگی انسان.
- ب - توسعه بخشیدن به آگاهی دانش‌آموزان از وطن و جهان.

ج - کمک به بالا رفتن توانایی دانش‌آموزان در توصیف اوضاع جغرافیایی از طریق مشاهده کردن، تجربه کردن، نقشه خوانی، خواندن نگشای هوا، گردآوری اطلاعات، ترسیم دیاکرام و نمودار.

### اهداف آموزش جغرافیا در مقطع دبیرستان:

- الف - آگاهی از مفاهیم جغرافیایی موجود در محیط زندگی دانش‌آموزان.
- ب - شناخت و درک فهم زندگی انسان در مکانهای ناآشنا و دور.
- ج - شناخت اصول و مبانی دانش جغرافیا.
- د - توسعه فنون مطالعه و روشهای کسب دانش.
- ه - سهیم شدن در آموزش عمومی از طریق تفکر دقیق در ارتباط با مسائل روزمره انسان معاصر.
- م - کمک به دانش‌آموزان، به منظور پیدا کردن ذهنی نظام و روشن در ارتباط با مسائل کشور خود و جهان.

### انگلند و ویلز

### اهداف آموزش جغرافیا در مقطع ابتدایی و دبیرستان:

اهداف دوره ابتدایی در انگلند و ویلز تفاوت چندانی با اهداف آموزش جغرافیا در اسکاتلند ندارد، اما در دوره دبیرستان تفاوت در اهداف آموزشی تا حدودی قابل توجه است. این اهداف مهارتند از:

- الف - درک تفاوتها و شباهتهای ناحیه‌ای و تغییرات در این نواحی.
- ب - آشنایی با اوضاع جغرافیایی و فرهنگی کشورهای قاره افریقا، هند و سایر کشورهای مشترک‌المنافع.
- ج - آشنایی با مسائل عمده جهان.
- چ - آگاهی از شرایطهای حیاتی بازرگانی نظیر خطوط عمده کشتیرانی، کانها، بنادر و رودهای عمده.
- د - تربیت شهروندانی متفکر و مسؤل که دارای ذهنی نقاد و روشن در ارتباط با مسائل کشور خود و جهان.
- ه - توانایی در به کارگیری روش حل مسئله و استفاده از اطلاعات جغرافیایی در زندگی.
- م - آشنایی با سازمانهای بین‌المللی.

از مطالعه اهداف فوق چنین استنباط می‌شود که برنامه ریزان درسی به فاکتورهایی چون نیازهای فردی و اجتماعی، علائق اقتصادی و استعماری، دیدگاههای تربیتی (موارد، د، و ه)، دید جغرافیایی و کاربردی از علم جغرافیا را، در تدوین اهداف مورد توجه قرار داده‌اند.

از آنجا که شیوه برنامه‌ریزی درسی در انگلستان به صورت غیر متمرکز است، و هر مدرسه در اسکاتلند، انگلند، و ویلز در انتخاب کتب درسی خود آزاد است، شاید اینچنین تصور شود که محتوی کتب درسی تابع نظریات شخصی معلمان و یا تمایلات آنها انتخاب می‌شود. درست است که، بهینه و سهمی از موضوعات مختلف برای دانش‌آموزان عرضه می‌شود که مطالب آن از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر فرقی می‌کند، اما همان طور که ذکر شد، به دلیل امتحانات سراسری کتب مدارس از اهداف پیشنهادی کمیته برنامه‌ریزی درسی مدارس که وابسته به وزارت آموزش و پرورش می‌باشد، پیروی می‌کنند.

بررسی کتب درسی مختلف نیز نشان داده است که، در آموزش جغرافیا یک سلسله مفاهیم مشخصی وجود دارد، که تقریباً در مناطق آموزشی پذیرفته شده است.

محتوی کتب درسی تا قبل از قرن نوزدهم اغلب شامل یک سلسله اطلاعات، در ارتباط با شهرهای عمده، کوهها، رودها و یا تولیدات عمده اقتصادی ایالات و کشورهای عمده جهان بود که به شکل ضمیمی در کتب درسی ارائه شده بود.

در اوایل قرن حاضر با تشکیل نخستین دپارتمان جغرافیایی توسط دانشگاه اکسفورد سرانجام به وضع نایساز آموزش جغرافیا در مدارس پایان داده شده و استانداردهای مشخصی برای آموزش جغرافیا در مدارس به وجود آمد.

هربرتسون جغرافیدان معروف انگلیس طی مقاله‌ای که تحت عنوان نواحی عمده جغرافیایی در سال ۱۹۰۵ منتشر کرد، توانست چهارچوب منطقی از یک سلسله مفاهیم مشخص، از موضوعات جغرافیایی اساسی و طبیعی را ارائه دهد که، خیلی رود با استقبال معلمان رو به رو گشت. با تعالیم هربرتسون و شاگردان او طرحهای مختلفی برای آموزش جغرافیا ارائه گردید که در آنها، کلیاتی از اوضاع طبیعی و انسانی مناطق جغرافیایی از قبیل آب و هوا، ناهمواریها، ساختمان زمین، سیاستهای انسان در به کارگیری زمین به شیوه‌ای منطقی و مستدل در کتب درسی آورده شد. در حال حاضر کمتر مدرسه‌ای وجود دارد که هنوز متأثر از افکار جغرافیایی هربرتسون نباشد.

هربرتسون تدریس جغرافیا در مدارس را با وسایلی عجیبی دنبال می‌کرد، او کتابهای درسی زیادی نوشت و به معلمان جغرافیا نیز سالها آموزش می‌داد. تأکید این جغرافیدان بیشتر به مطالعه جغرافیا از طریق فعالیتهای میدانی بود.

با گذشت زمان در نتیجه تحولات اقتصادی و نیازهای اجتماعی به تدریج در بین معلمان جغرافیا این مزمه بلند شد که، هربرتسون در کتب درسی خود تحت عنوان مناطق عمده جغرافیایی به جای توجه به درک رابطه علت و معلولی در بررسی مناطق عمده جغرافیایی و با مطالعه رودهای بزرگ، خطوط راه‌آهن، شهرها، مطالعات فرهنگی

و اقتصادی جوامع کشاورز صنعتی و غیره، غالباً به رابطه جبری آب و هوا و روشهای انسان در بهره‌برداری از زمین نظیر زندگی چوب‌برهای جنگلهای شمالی و یا داستان‌سرایان ایده‌آلیست ملخزارهای مداری توجه کرده است، و اساساً این شیوه در آموزش جغرافیا جوابگوی نیازهای اجتماعی ما نیست. به هر صورت این انتقادات موجب گشت به تدریج نومی موازنه و تعادل در آموزش جغرافیای مدارس به وجود آید.

هم‌اکنون به آموزش جغرافیای ناحیه‌ای یعنی درک شباهتهای اقلیمی، خاک، مواد ساختمانی، اقتصاد، منابع طبیعی و سابقه تاریخی که بر روی هم وحدت جغرافیایی یک ناحیه را می‌سازد توجه بیشتری می‌شود.

از سوی دیگر، تجربیات بریتانیا به عنوان یک قدرت بزرگ استعماری در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، و نقش جهانی که در این زمینه برای خود قائل بود، ایجاد می‌کرد که مطالعه تاریخ، جغرافیا، آداب و رسوم و اعتقادات مستعمرات (هم‌اکنون کشورهای مشترک‌المنافع) جزئی از محتوای کتب درسی را تشکیل دهد.

دانش‌آموزان این کشور باید اوضاع جغرافیایی قاره افریقا و سایر کشورهای مشترک‌المنافع را از نقطه نظرهای مختلف مثل اوضاع فرهنگی، آداب و رسوم، لباس، غذا، مذاهب و منابع طبیعی را مورد مطالعه قرار داده و آگاهیهای لازم را در این مورد کسب کنند تا، در برخورد با مردم این کشورها به حد کافی از کاردانی و درایت لازم برخوردار باشند.

علم جغرافیا می‌تواند این آگاهی را در اختیار آنها قرار دهد. به علاوه کتب درسی جغرافیا به دانش‌آموزان می‌فهماند که در برخورد با آداب و رسوم ملل مختلف نباید فرقی در حرمت و سنگینی کردند و آنها را به تمسخر گرفته و یا حقیر شمارند. بلکه لازم است که از قبل، یاد بگیرند چگونه با این واقعیتها برخوردی معقولانه داشته باشند. (این امر خود می‌تواند دلائل دیرپای استعمار انگلیس در مقایسه با سایر دول استعماری به خوبی توجیه کند).

از آنجا که انگلستان کشوری است که به شدت به تجارت و منابع اولیه کشورهای مشترک‌المنافع وابسته است، و برای تأمین ماده خام مورد نیاز کارخانجات، صدور کالا و تغذیه جمعیت خود ناچار از داشتن ناوگان دریایی عظیمی می‌باشد، طبعاً مطالعه شریانهای تجارتی، خطوط عمده کشتیرانی، کانالها، بنادر عمده جهان و خطوط آهن از جمله موضوعاتی است که در آموزش جغرافیا بدان توجه می‌شود.

از سال ۱۹۶۰ به بعد با پیدایش و رشد مکاتب جغرافیایی در دانشگاهها و نوآوریهای تربیتی به تدریج زمینه لازم برای تحول در آموزش جغرافیا فراهم گشت.

بین دهه ۲۰ - ۶۰ هر ساله کنفرانسی از معلمان جغرافیا در مادینگالی‌هال، کامبریج برگزار می‌شد که در آن بازرسان سلطنتی،

اتحادیه معلمان جغرافیا و پارامی از دانشکده‌های علوم تربیتی نیز مشارکت داشتند.

شکل اول در این کتاب، آگاهی از نظریات جغرافیایان در زمینه آموزش جغرافیا، مفاهیم جدید جغرافیایی، دیدگاه‌های تربیتی، مبادله تجربیات آموزشی بین معلمان و با بحث پیرامون پروژه جغرافیای دبیرستانهای آمریکا و واحدهای درسی آن بود. ( شرح این پروژه توسط نگارنده در مقاله برنامه‌ریزی درسی و آموزش جغرافیا در آمریکا مجله رشد شماره ۱۸ آورده شده است )

صاحب‌نظرانی چون هیرس ( Hirs ) و پیتز با ارائه مقالاتی، جغرافیایان انگلیس و معلمان جغرافیا را واداشتند تا درباره اهمیت دقیق آنچه که تدریس می‌کنند عملاً به فکر بینند.

در ژانویه ۱۹۶۹ یک قدم اساسی برای رواج جغرافیای آکادمیکی با مقاله آر. جی چورلی برداشته شد. چورلی در این مقاله به تشریح ایده‌های جدید در آموزش جغرافیا و اهداف آموزش این علم که باید مورد توجه معلمان جغرافیا و برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد، اشاره کرده بود.

از سال ۱۹۷۰ به بعد نیز، فشارهایی برای تغییر در برنامه‌های درسی جغرافیا توسط جی. دلیو موریس سرپازرس انجمن جغرافیایی سلطنتی و معلمان جوانی که در مطالعات دانشگاهی خود متأثر از نظریات چورلی، هاگت و هاروی بودند، احساس می‌شد.

طرفداران تغییر در برنامه‌ها خواستار تحولات بنیادی در زمینه اهداف آموزش جغرافیا، محتوی کتب درسی، روشهای یاددهی و یادگیری و بالاخره شیوه ارزشیابی از درس جغرافیا بودند.

درواقع در نیمه دوم قرن بیستم دو جریان عمده فکری تأثیرات انکارناپذیر خود را در آموزش جغرافیای مدارس انگلیس بر جای گذاشت که آن را باید از شمات همین کنفرانسها تلقی کرد.

نخستین جریان فکری توسط فیئرگریو ( Fairgrieve ) و استمبریج ( Stambidge ) که هر دو دید رالیستی داشتند، مطرح گشت. گریو و پیروانش اعتقاد داشتند که معلم در آموزش جغرافیا باید به جای لغاضی در باره سرزمینهای عجیب و غریب در کلاس درس، با به کارگیری تصاویر، نقشه، داستان و قصه، استفاده

از گزارشات سیاحان، خبرنگاران و مکتشفین همچنین بهره‌گیری از روشهایی که دانش‌آموزان قادر به درک آن باشند، لازم است که چشم‌اندازی روشن از زندگی واقعی در سرزمینهای مختلف را در ذهن دانش‌آموزان ترسیم کند.

تأثیر دوم، ناشی از انقلاب آموزشی سال ۱۹۶۲ بود که در آمریکا صورت گرفت. مربیانی چون دیوئی، بلوم و روانشناسی نثل برونر برای یادگیری از طریق تجربه، توجه به علائق کودکان و تواناییهای ادراکی یادگیرنده در فرآیند یاددهی - یادگیری اهمیت فراوانی قائل بودند.

دیوئی تجربه را اساس جهان‌شناسی می‌داند. از نظری تجربی

شامل ادراک، احساس، تفکر، تفاوت، مقایسه، توصیف سیر عقلانی و توجه به ارتباط عمودی باشد.

دیوئی نظر کردن را روش اساسی تجربیات تربیتی یا به عبارتی دیگر روش آموزشی می‌داند. از نظری حلقه معلومات و مهارتها فلاند ارزش تربیتی است. بنابراین محیط کلاس باید نیروی تفکر شاگردان را تحریک کند و از این راه در کسب معرفت به آنها کمک نماید.

روش تدریس از نظر دیوئی همان روش تحقیق است. آنچه را که پژوهنده دربرخورد به موقعیت نامعین یا در اثر تماس با پدیده‌های خاص انجام می‌دهد و تلاشی که برای مشخص ساختن مسأله موجود و پیدا کردن راه حل می‌کند، باید در جریان تدریس اجرا گردد. در جریان تحصیل و مطالعه موضوعات اعم از علوم، جغرافیا، تاریخ و غیره شاگرد باید به وضعی نامعین روبه رو شود. پس از آن که شاگرد به کمک معلم مسأله یا مسأله خاص را مشخص کرد، با استفاده از آنچه که در کتاب یا دیگر منابع درسی نوشته شده است باید در تفسیر موقعیت اقدام کند و از این طریق به بررسی فرضیه‌ها اقدام کند. نظریات تربیتی این فیلسوف موجب گردید که روش حل مسأله جزء اهداف تربیتی دروس مختلف قرار گیرد.

بلوم یکی از برجسته‌ترین مربیان تربیتی آمریکا، معتقد است که اهداف تربیتی بر مبنای حیطه شناختی، متناسب با پیچیدگی یادگیری از سوی یادگیرنده به شش حیطه طبقه بندی می‌شود. این طبقه بندی از ساده‌ترین سطح شناخت (آگاهی) شروع می‌شود و به پیچیده‌ترین شکل آن (ارزشیابی و تفاوت) پایان می‌یابد.



هدف بلوم از ارائه طبقه بندی اهداف تربیتی در حیطه شناختی این بود که به معلمان و برنامه‌ریزان درسی تفهیم کند که به جای تاکید و نگهداری دانش‌آموزان در دو حیطه اول شناخت، آنها را به مهارتهای سطح بالای تفکر، نظیر تحلیل کردن، ترکیب کردن و تفاوت کردن که مهم‌ترین اهداف آموزشی می‌باشد، برسانند و چه تنها با دستیابی به مهارتهای سطح بالای تفکر می‌باشد که خلاقیت ذهنی بروز می‌کند.

نظریات برونر روانشناس معروف آمریکایی در زمینه برنامه‌ریزی درسی غیر خطی ( مارپیچی ) اکتشاف و یادگیری ساختار موضوع درسی، آموزش متناسب با تواناییهای ادراکی و تدریس برای کودکان

به صورت تفریحی و جالب توجه عده زیادی از مربیان و معلمان را در آمریکا و انگلیس به خود جلب کرد.

کتاب وی تحت عنوان جریان آموزش ( *The Process of Instruction* ) یکی از بهترین نظریات در زمینه یادگیری می باشد که به ۲۲ زبان ترجمه شده است.

به هر حال نظریات فوق تا حدودی افکار تربیتی فریب و پستانلزی را که کودک محوری را جایگزین معلم محوری کرده بودند به یاد می آورد، اما به شکل جدیدی و بر پایه تحقیقات تازه ای مطرح شده بودند.

از سال ۱۹۷۰ به بعد تا برگزاری کنفرانسهای مختلف، ارائه مقالات و کتب متعدد بتدریج زمینه را برای ایجاد یک انقلاب کیفی در آموزش جغرافیا فراهم گردید. بهبودی اوضاع اقتصادی انگلستان بین دهه ۸۰ - ۷۰ به تسهیل این امر کمک کرد. نقش معلمان علاقه مند به جغرافیا در ایجاد این تحولات بسیار چشمگیر بود. برای مثال در سال ۱۹۷۰ گروهی از معلمان جغرافیا، در پایان هر هفته برای بحث پیرامون ایده های جدید در آموزش جغرافیا در چارلی مانور، اکسفورد شایر دورهم جمع می شدند. در این گردهمایی ها که بیشتر یک اجتماع فیررسی و ابتکاری بود، موضوعاتی از قبیل: تحلیل فضائی، تحقیق جغرافیایی، روش حل مسئله تئوری مکان مرکزی، پدیده پخش، بازیها و انگیزش، سازماندهی برنامه های درسی و از این قبیل مباحث که در آن موقع توجه عده زیادی از معلمان جغرافیا را به خود جلب کرده بود، دور می زد.

نتیجه این گردهمایی ها بعداً به صورت کتابی تحت عنوان ایده های جدید در آموزش جغرافیا ( *Longman - 1973* ) منتشر گشت. انتشار این کتاب اثر عمیقی در تغییرات برنامه های درسی جغرافیا و روش آموزش آن بر جای گذاشت.

تغییراتی که پس از سال ۱۹۷۰ در زمینه آموزش جغرافیا به وجود آمد، منتهی به تألیف کتب درسی جدیدی گردید که گاه طوفانی از انتقادهای معلمان سنت گرا را به دنبال داشت.

از آنجا که مولفان کتب درسی دوره متوسطه غالباً اساتید دانشگاه بودند، خود آنها و یا سایر همکارانشان به آموزش جغرافیای آکادمیکی و نتایج آن بر روی رفتار فراگیران صمیمتاً علاقه مند گردیدند.

اورسون و فیتز جرالده با تألیف شش کتاب درسی جدید برای دوره متوسطه شکل تازه ای به کتب جغرافیای انسانی بخشیدند. مولفانی نظیر وین سنت و تیدزول عملاً گام جدیدی در آزمایش روشهای تازه ای در آموزش جغرافیا برداشتند که برای معلمان چندان آشنا نبود.

بشترین استقبال از کتابهای درسی جدید جغرافیا، کتبی بوده است که بر مبنای پروژه جغرافیایی اکسفورد ( *OGP* ) و کتبی که توسط جان رالف، معلم جغرافیای مدرسه هابرداژ اسکیز، الستر برای سه سال اول دوره *O-Level* تألیف شده بود. محتوای این

کتابها با توجه به تواناییهای فردی دانش آموزان و جذب علاقه آنها به یادگیری سازماندهی گردیده بود.

بسته های آموزشی مشهور به ( *GYSL* ) بر حول و حوش سه موضوع انسان - زمین، اوقات فراغت - شهرها و مردم، مردم - مکان و کار عرضه گردید که به نحو موثری به فروش رفت. این کتب درسی بر مبنای پروژه آوری هیل طراحی شده بود.

در کلیه این کتب تأثیر تحول جدیدی که در جغرافیا به وجود آمده بود، کاملاً قابل تشخیص است.

رفوس مطالب عمده کتب درسی که در مدارس *O-Level* و *A-Level* تدریس می شود غالباً بر حول و حوش چنین موضوعاتی دور می زند:

- ۱- آشنایی با ابزار و وسایل مطالعاتی جغرافیا نظیر مگسهای هوایی، ماهواره های، نقشه ها و تصاویر.
  - ۲- طبیعت علم جغرافیا و تاریخ این علم.
  - ۳- نقش جغرافیدانان مسلمان در توسعه علم جغرافیا.
  - ۴- نابرابریهای جهانی.
  - ۵- ملل توسعه نیافتگی کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین.
  - ۶- ملل توسعه یافتگی کشورهای صنعتی.
  - ۷- مفهوم توسعه و عدم توسعه.
  - ۸- برخورد انسان با محیط و تغییرات در سطح سیاره زمین.
  - ۹- جغرافیای طبیعی دردیاگراسها، مگسهای هوایی و ماهواره ای.
  - ۱۰- جغرافیای مواد غذایی در دنیا.
  - ۱۱- شهرها، رشد، توسعه و تغییرات در شهرها.
  - ۱۲- مقایسه شهرهای جهان سوم، کشورهای غربی و کشورهای سوسیالیستی.
  - ۱۳- شهرهای اسلامی.
  - ۱۴- بررسی جغرافیایی از روستا نشینی در کشورهای جهان سوم.
  - ۱۵- جمعیت و کشاورزی در جهان سوم.
  - ۱۶- جمعیت و کشاورزی در کشورهای غربی.
  - ۱۷- جمعیت و کشاورزی در کشورهای سوسیالیستی.
  - ۱۸- اروپای امروز.
  - ۱۹- شیوه زندگی شهری و روستایی (از یادداشت های منتشر نشده آقای دکتر حسین شکویی).
- توجه به مطالعات شهری با توجه به رشد شهرنشینی در انگلستان به عنوان یک تجربه با ارزش در زندگی دانش آموزان و به طور کلی افراد یک کشور تلقی می شود. از همین رو در آموزش جغرافیای دبیرستانها به مباحثی چون: افزایش آگاهی جوانان در درک زندگی شهری، محاسن و معایب آن، رشد شهرها، مناطق شهری، جریانات ترافیک، موقع شهرهای مهم در اقتصاد ملی و زندگی فرهنگی و به طور کلی وضعیت شهرها در کشورهای مختلف جهان تأکید زیادی می شود.

از آنجا که زندگی یک ملت را تنها نمی توان از طریق مطالعه منابع طبیعی، آب و هوا، پوشش گیاهی و تأثیرات آن در زندگی مردم یک کشور باز شناخت، و از طرفی مسأله جاری یک ملت به میزان زیادی متأثر از ایدئولوژیها، خط مفی های سیاسی، وابستگیهای روزمره فرهنگی و اتحادیه های سیاسی می باشد، لذا، تنها با توجه به این عوامل، علاوه بر موضوعات جغرافیایی می توان به تصویری صحیح از جغرافیای انسانی یک کشور دست یافت.

با توجه به مطالب فوق در مطالعات جغرافیایی واحدهای سیاسی، به مسأله ای از قبیل کمبود غذا و گرسنگی در کشورهای مختلف،

تذکره در کشورهای صنعتی، رشد جمعیت و بی‌آمدهای آن در کشورهای در حال توسعه و مطابق آن با کشورهای پیشرفته، مطابق توسعه - نیافتگی در کشورهای جهان سوم و توسعه نیافتگی در کشورهای صنعتی و بررسی نقش آن تحت عنوان نابرابریهای جهانی از جمله عناوینی است که در کتب درسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

توجه به شناخت موقع استراتژیکی یک کشور، وابستگیهای سیاسی و فرهنگی آن بررسی موقع اقتصادی این کشور در جهان معاصر و بالاخره مطالعه تأثیرات زندگی مدرن در جوامع بدوی یا در حال توسعه نیز در کتب درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### شیوه‌های یاددهی و یادگیری جغرافیا

در حال حاضر قبل از آن که آموزش جغرافیا از کتاب درسی شروع شود، نخست از محیط خارج از مدرسه آشنایی می‌گردد، و به کمک مشاهده، گردشهای علمی، تجربه مستقیم مطالعات کتابخانه‌ای، استفاده از نقشه‌های قابل حمل، مطالعات میدانی و موردی و بالاخره فیلمهای جغرافیایی به شناخت جغرافیای مناطق دوردست ختم می‌گردد.

امروزه اغلب معلمان تحصیل کرده در دانشگاهها و یا کالجها، عموماً مشتاقی در به کارگیری تجربه مستقیم در فرآیند یادگیری هستند. تأثیر این دیدگاه جدید که ناشی از نظریات دیویی و با توصیه جغرافیدانها بوده است، موجب گردید که به کارگیری مشاهده در مطالعات محیطی، گردشهای علمی، مطالعه موردی، اندام‌نگیری و ثبت پدیده‌های آب و هوایی به کمک لوازم هواشناسی موجود، در مدارس ویلز وانگلند به صورت وسیعی رواج پیدا کند. رواج این شیوه در آموزش جغرافیا را باید به عنوان پیش درآمدی برای درک ایده‌های مجرد در علم جغرافیا که در سطوح پیشرفته دبیرستان دانش‌آموزان با آن رو به رو هستند، تلقی کرد.

توجه به انجام تحقیق به روش مطالعه موردی هم‌اکنون یکی از اساسی‌ترین روشها در آموزش جغرافیا می‌باشد. به منظور اجرای فعالیتهای میدانی، تسهیلات رفاهی لازم برای دانش‌آموزان پیش‌بینی شده است. هم‌اکنون بیش از چهارده مرکز عمده جهان‌روزی در ویلز وانگلند در تمامی مدت سال، میهمانداری دانش‌آموزان سیکل دوم متوسطه و علاقه‌مند به کارهای میدانی را به صیغه دارد. ادارات آموزش و پرورش محلی نیز با تأسیس بیش از صد مرکز رفاهی در شهرها، مناطق کوهستانی و سواحل دریا، توانسته‌اند که امکانات لازم را برای کارهای میدانی و بازدید دانش‌آموزان از مناطق مختلف را فراهم کنند.

به‌طور کلی روشهایی که در فرآیند یاددهی و یادگیری جغرافیا به کار گرفته می‌شود عبارتند از:

- ۱- مطالعات محلی به صورت موردی.
- ۲- مرتبط ساختن موضوعات درسی با تجربیات قبلی دانش‌آموزان.
- ۳- استفاده از تصاویر و داستانهایی که منتهی به مطالعه سرزمینهای

مختلف می‌شود.

۲- جمع‌آوری تصاویر و اشیا در هنگام مطالعات محیطی و بحث درباره آنها.

۳- روشهای مباحثه گروهی، واحد کار و تمرینات آموزشی نظیر ترسیم نقشه، نمودار و یا توصیف یک منطقه، و ارائه خلاصهای از مفاهیم در گردشهای علمی به صورت کنفرانس در کلاس درس. - استفاده از کتابخانه ( غالب مدارس مجهز به یک کتابخانه است که در حکم بازرسی قوی برای معلمان جغرافیا محسوب می‌شود. دانش‌آموزان با مراجعه به آنها و استفاده از کتب مرجع می‌توانند آگاهیهای خود را درباره مکانهای دور توسعه بخشند ) .

۴- تفویض به مطالعه موضوعاتی که به صورت درهم تنیده با علوم اجتماعی و تاریخ می‌باشد.

۵- استفاده از بازیهای آموزشی مانند تصمیم‌گیری و ایفای نقش.

۶- استفاده از روش حل مسئله در تحقیقات جغرافیایی.

دروس جغرافیا در دوره ابتدایی و دوره O-Level هم‌اکنون در بعضی از مدارس به صورت مجزا ولی در اکثریت مدارس به صورت درهم تنیده با تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و اقتصاد آموزش داده می‌شود.

آموزش جغرافیا در دوره ابتدایی اجباری ولی در دوره دبیرستان در انگلند و ویلز اختیاری می‌باشد، اما نزدیک به ۵۰ درصد از دانش‌آموزان این درس را انتخاب می‌کنند.

در اسکاتلند دروس جغرافیا در دوره ابتدایی و دوره O-Level اجباری ولی در دوره A-Level اختیاری است.

برنامه‌های درسی گرامر اسکولها ( مدارس کلاسیک ) اغلب سنگینتر از برنامه سایر مدارس می‌باشد، و از این رو سایر مدارس هنوز در تطبیق برنامه‌های خود با آنچه که در این مدارس تدریس می‌شود باید راه زیادی را طی کنند. غالباً ترجیح می‌دهند که نفوس مطالبی را که در مدارس کلاسیک تدریس می‌شود به شکل ساده‌تری که قابل فهم اکثریت دانش‌آموزان باشد عرضه کنند.

وسایل دیداری و شنیداری که در تدریس جغرافیا به کار گرفته می‌شود شامل: تخته‌سیاه ( معمولاً به صورت چرخان آن )، اطلسها، کره جغرافیایی، کتب موجود در مدارس، کتب درسی مناطق مختلف، فیلم استریپ، پروژکتور اسلاید، رادیوهای کوچک، نقشه‌های دیواری قابل حمل، تصاویر جغرافیایی، تلویزیون به صورت مدار بسته، فیلمهای آموزشی و کامپیوتر می‌باشد.

### ارزیابی تغییرات جدید در برنامه‌های درسی جغرافیا

نتایج ارزیابی از برنامه‌های درسی جغرافیا که در دهه ۱۹۸۰ از وضعیت آموزش جغرافیا در انگلند و ویلز صورت گرفته است، نشان می‌دهد که، از سال ۱۹۲۰ به بعد تحولات بنیادی در برنامه‌های درسی و آموزش جغرافیا صورت گرفته است.

آموزش جغرافیای توصیفی در دوره دبیرستان، اکنون به کمک تحلیل‌های آماری، تکنیکهای پیش‌بینی، و در کنار مفاهیمی چون تحلیل فضایی، تئوری مکان مرکزی، سیاستهای به کارگیری زمین، معنیهای رشد شهری، مدل‌های رشد جمعیت، تئوری بخش، و به کارگیری روشهایی نظیر تصمیم‌گیری و انبساط نقش، حل مسئله، مطالعات موردی و فرضیه آزمایی بتدریج از حالت حفظی خارج شده است. این شیوه می‌تواند به معلمانی که در جستجوی کاهش بار حافظه از دوش دانش‌آموزان هستند کمک کند.

با این حال نباید از نظر دور داشت که گاه، این تغییرات با اغراض کاربریهای آکادمیکی همراه بوده است. بالاخص کسانی که زیاد نگران الحاق روش تحقیق جغرافیایی در برنامه‌های درسی بودماند، کار را بر دانش‌آموزان سخت‌گردانند. این عده ظاهراً اهداف دوره دبیرستان را با اهداف دانشگاه اشتباه گرفته‌اند. ولی نباید این واقعیت را نادیده گرفت که تحولات جدید به موجب گردید، خطر رگدنی که عارض جان جغرافیای شده بود به میزان زیادی کاهش یابد. و آموزش آن علیرغم پاره‌ای از تندروها به شیوای منطقی و عقلایی درآید.

در کتب درسی جدید ضمن ارائه مفاهیمی نو، تأکید بر فعال کردن دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی - یادگیری و انجام کارهای تحقیقی بوده است. انجام فعالیت‌های تحقیقی و اختصاصی ۵۰ درصد از نمره امتحانی به آن در بدو امر یک گرفتاری تازه برای هیئت‌های برگزار کننده امتحانات پایانی و با معلمانی که با موضوعات سنتی و شیوه‌های قدیمی ارزشیابی خو گرفته بودند، به وجود آورد. بدین لحاظ این هیئت‌ها و نیز دانشگاهها ناچار از تهیه یک سیاهه بلند بالا از فهرست عناوین و ریزموادی که دانش‌آموزان ناچار از دانستن آنها می‌باشند، گردیدند. به علاوه به دلیل تأکید بر فعالیت‌های تحقیقی ۵۰ درصد از نمره امتحانی در اختیار معلمان قرار گرفت. (در حال حاضر ۲۰ درصد از نمره امتحانات پایانی به کارهای تحقیقی دانش‌آموزان داده شده است.)

به دنبال تصمیم هیئت‌های برگزار کننده امتحانات پایانی دوره مقدماتی و دوره پیشرفته در تغییر عناوین و ریز مواد، سبلی از اعتراضات در بین معلمان سنت‌گرا به وجود آمد که برخی ترجیح دادند خود را از دروسهای برنامه‌های درسی جدید و روشهای اجرای آن رهایی داده و به گوشه‌های امنی در دسرادارات، پناه ببرند. گروهی نیز تغییرات جدید را با بدگمانی تعقیب کرده، اما علیرغم مسائلی فوق اکثریت معلمان جوانی که جدا "خواستار تغییر در برنامه‌ها بودند، امروزه شاهد به ثمر نرسیدن نهایی هستند که در مادینگانی‌ها و چارنی‌مانور به دست معلمان علاقه‌مند به جغرافیا کشف گردیده است. میوه این درخت را می‌توان در شمار زیبای ذوالفقار خوشی یکی از معلمانی که پیش از هر جغرافیادانی در تحولات برنامه‌های درسی نقش داشته است یافت:

زمانی که جت در آسمان به پرواز درآمد،  
برایم روشن شد که چرا شهرها، هرکدام به طریقی رشد پیدا کرده‌اند.

از آن بالا یک مایل برابر با شش اینچ دیده می‌شد.  
در ابتدا فکر می‌کردم، آنچه که در روی زمین است همه اتفاقی است،  
بدون طرح و نقشه، بدون هدف.

وقتی که جت در آسمان به پرواز درآمد،  
هنگامی که به ده هزار پایی رسید، برایم روشن شد که چرا کشورها -  
شهرهایش در جایی است که رودخانه‌ها جریان دارند.

چرا، دره‌ها برار جمعیت است.  
آنگاه منطق جغرافیا برایم روشن شد؛  
این که زمین و آب انسانها را جمع می‌کند.

هنگامی که جت ۶ مایل اوج گرفت، فهمیدم که زمین گرد است و  
در باهش بیش از خشکیهاست.

اما برایم دشوار بود که بفهمم چرا انسانهای روی زمین از یکدیگر  
متفرند

به دور خود، دیوار کشیده‌اند، یکدیگر را می‌کشند.  
از آن بالا برایم روشن نشد که چرا؟

## منابع

- ۱- شریعتداری علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۲- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بررسی دیدگاه "برونر" و مروری بر سایر دیدگاهها در رشد، نشریه شماره ۱۶.
- ۳- نقیبه فاضله و جلالی محمدباقر، آموزش و پرورش در انگلستان و ترکیه، نشریه شماره ۸، دفتر پژوهش نظامهای جهانی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- ۴- معافی محمود، بررسی تطبیقی برنامه ریزی درسی و آموزش جغرافیا در ایران و چند کشور جهان، رساله فوق لیسانس، دانشگاه تربیت معلم، اسفند ۱۳۶۷.
- ۵- صفوی امان‌اله، کلیات روشها و فنون تدریس، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۸.
- ۶- ناصر صبح عزیز و سلیمی پرویز، راهنمای بین‌المللی نظامهای آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی، اردیبهشت ۱۳۶۰.
- ۷- یادداشت‌های منتشر نشده آقای دکتر حسین شکوفی، ۱۳۶۸.
- 7- Marchant E.C. Teaching of Geography. at school level, Harrap Co.Ltd.London, 1971
- 8- Walford-Rex, Sign Posts for Geography teaching, Butler & Tanner Limited, frome and London, 1981